

پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان
سال پنجاهم، دوره جدید، سال ششم
شماره دوم (پیاپی ۲۲)، تابستان ۱۳۹۳، ص ۸۹-۱۰۴

عملکرد سازمان بازرسی شاهنشاهی در دوره ریاست ارتشبد حسین فردوست (۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷ش/۱۹۷۲ تا ۱۹۷۹م)

حسن زندیه * - مسعود آدینه‌وند **

چکیده

حاکمان استفاده از نهادهای ناظر و کنترل‌کننده را با هدف شناسایی مسائل مختلف قلمرو حکومتی خود، امری لازم می‌دانستند و همواره به آن توجه می‌کردند. بازرسی شاهنشاهی، یکی از مجموعه سازمان‌های اطلاعاتی عصر پهلوی دوم بود. این مرکز در سال ۱۳۳۷ش/۱۹۵۸م، بنابه فرمان محمدرضاشاه تأسیس و مجدداً در اواخر دهه ۱۳۴۰ش، بعد از وقفه‌ای کوتاه، احیا شد. انگیزه‌ها و اهداف شاه از احیای این سازمان در واقع تلاش برای حذف مخالفت‌ها، رفع موانع تداوم و تثبیت رژیم، مبارزه با فساد و نارسایی، تأمین سلامتی نظام اداری و... بود. این جدای از بدگمانی و ترسی بود که به ویژه بعد از کودتای ۲۸ مرداد، شاه به شخصیت‌های متنفذ و نهادهای کشور یافت. این سازمان اختیارات بسیار و تقریباً نامحدودی داشت؛ بنابراین مسئله بسیار مهم، در ارتباط با نام سازمان، عملکرد آن است؛ یعنی مجموعه اقداماتی که سازمان، در راستای انجام وظایف کرد. در واقع، با بررسی کارکرد اداره‌ها و سازمان‌هاست که می‌توان پویایی یا رکود آن‌ها را نشان داد. سازمان در طول عمر خود به ویژه در دوره دوم، یعنی از سال ۱۳۵۱ش تا ۱۳۵۷ش/۱۹۷۲ تا ۱۹۷۹م و همزمان با ریاست فردوست، اقدامات بسیاری انجام داد و در جریان وضعیت داخلی کشور قرار گرفت. مقاله حاضر با روش تاریخی، درصدد بررسی علل تأسیس مجدد سازمان و واکاوی عملکرد و تأثیر این مرکز در دوره دوم عمر و زمان ریاست حسین فردوست است.

واژه‌های کلیدی

پهلوی دوم، فردوست، سازمان بازرسی شاهنشاهی، فساد مالی و اداری.

* استادیار تاریخ دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) zandiyehh@yahoo.com

** دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین masoud.adineh66@yahoo.com

مقدمه

سازمان بازرسی شاهنشاهی، از جمله مجریان نهاد بازرسی، در تاریخ دوره پهلوی بود که با انجام وظایف محوله، در طول تقریباً بیست سال، فعالیت‌های بسیاری در امور و عرصه‌های مختلف کرد. این سازمان دارای اختیارات و وظایف گسترده‌ای بود: رسیدگی به شکایات مردم از مقامات ادارات، نظارت بر اجرای درست فرامین شاه و قوانین حکومتی در مناطق مختلف کشور، مبارزه با فساد، نظارت بر کار آموزشی، بررسی نحوه اجرای کارهای عمرانی و... . پهلوی دوم بعد از قدرت‌گیری در جریان کودتای ضد مصدق، همواره بدگمانی و ترسی به افراد و گروه‌های متنفذ داشت؛ پس ایجاد سازمان فوق نیز، در این راستا درخور بررسی است. به‌هرحال، شاه با ایجاد این سازمان اختیارات وسیعی به آن واگذار کرد تا به این وسیله، خطرات و تهدیدات احتمالی حکومت خود را شناسایی کند. در اواخر سال ۱۳۵۱ش/۱۹۷۲م ارتشبد حسین فردوست، دوست دوران کودکی و همکلاسی شاه، به جای سپهد مرتضی یزدان‌پناه به ریاست سازمان انتخاب شد. عملکرد^۱ سازمان در این دوره، بیشتر عبارت بود از اعزام هیئت‌های بازرسی به ادارات پایتخت و سایر استان‌ها و شهرها. این هیئت‌ها با هدف بررسی دستاوردهای انقلاب سفید و اطلاع از وضعیت داخلی کشور فرستاده می‌شدند و گزارش‌های بسیاری ارائه می‌کردند که امروزه، در مراکز معتبر اسناد بایگانی شده‌اند و نگهداری می‌شوند. با تأسیس سازمان، در اواخر دهه سی، فعالیت آن آغاز شد؛ اما بعد از مدتی، با یک وقفه چند ساله مواجه شد تا آنکه شاه، در سال ۱۳۴۷ش/۱۹۶۸م، دستور تأسیس مجدد سازمان را صادر کرد و دور جدیدی از حیات بازرسی شاهنشاهی آغاز شد. تاکنون کار مستقلی، درباره سازمان بازرسی شاهنشاهی و عملکرد آن انجام نشده است؛ هرچند در

منابع مختلف، اشاره‌های پراکنده‌ای در این باره وجود دارد؛ از جمله خاطرات دولتمردان رژیم پهلوی که اکثراً بعد از انقلاب نوشته شده‌اند، مانند خاطرات حسین فردوست موسوم به «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی» و در کنار این، منابع تحقیقاتی داخلی و خارجی همچون کتاب «سیری در تاریخ شاهنشاهی» اثر حسین میرخلف‌زاده و «ایران سراب قدرت» نوشته رابرت گراهام. هر کدام از این آثار نیز، به صورت کلی، چند صفحه‌ای به جنبه‌هایی از سازمان فوق اشاره کرده‌اند. اسناد و مدارک آرشیوی نیز از جمله منابع مهم، برای بررسی عملکرد این سازمان هستند که در اینجا، نمونه‌هایی از آن‌ها استفاده شده است. «انقلاب اداری و مسئله دادگاه‌های اداری» مقاله‌ای از منوچهر طباطبایی و «چشم و گوش مهر یا سازمان بازرسی شاهنشاهی» از م. اورنگ، نیز از جمله آثاری هستند که در این خصوص نگاشته شده‌اند؛ اما جزء اشاراتی کوتاه و آن هم با دیده تعریف و تمجید، به ماهیت واقعی سازمان و کارکرد آن توجه چندانی نکرده‌اند. به‌هرحال، این سازمان به اندازه ساواک یا ارتش گسترده نبود و تشکیلات و پرسنل چندانی نداشت؛ اما، به عنوان مرکزی برای آمارگیری و اطلاع از وضعیت کشور شکل گرفت و دارای اختیارات وسیعی بود که طی دو دهه آخر حکومت پهلوی، به صورت مخفیانه و علنی، گزارش‌های بسیاری تهیه کرد. با توجه به نقش حساس و مهم این سازمان و همچنین فقدان پژوهشی در این باره، پرداختن به این مرکز با هدف بررسی کارکرد و تأثیر اقدامات آن ضروری می‌نماید. مقاله حاضر با روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، در پی پاسخگویی به این سؤالات است: چرا سازمان بازرسی شاهنشاهی بعد از وقفه‌ای چند ساله، مجدداً تأسیس شد؟ عملکرد این سازمان در دوره ریاست حسین فردوست، چه تأثیری در روند امور

می‌بینیم در این زمینه، تلاش‌های چندگانه‌ای برای افزایش نظارت و قدرت پایتخت بر اطراف صورت گرفت و وضعیت کمی بهبود پیدا کرد. دستگاه پهلوی اول علاوه بر بازرسان علنی که از اداره تفتیش (بازرسی) اعزام می‌شدند، دارای جاسوسان مخفی (خفیه‌نویس) نیز بود که اوضاع و احوال وزیران و رؤسا و رجال دولت را به او گزارش می‌دادند. قانون تشکیل «سازمان تفتیش و بازرسی»، برای نظارت بر امور قضایی و امور ادارات و بازرسی نحوه عمل آن‌ها به تصویب رسید (رحمانیان، ۱۳۹۱: ۲۰۰)؛ در حالی که در دوره قاجار، امور بازرسی و نظارت چندان منظم نبود. وظیفه دایره تفتیش اجرای بازرسی‌های منظم و ناگهانی از شهربانی‌ها، اداره تذکره، دایره مجلات، دایره محاسبات، دایره سیاسی (شعبه پلیس خفیه دوره سوئدی‌ها) و دایره صحیحه بود (سیفی‌فمی تفرشی، ۱۳۶۷: ۱۰۹ تا ۱۱۲). ایجاد آن، به‌نوعی برقراری وحدت و تمرکز در امر بازرسی به شمار می‌آمد و این تقریباً تجربه جدیدی بود. با این حال در این دوره، سازمان بازرسی واحد با کارکردهای مشخصی وجود نداشت و بیشتر، نهادهای اطلاعاتی امنیتی این وظیفه را انجام می‌دادند. بعد از خروج رضاشاه، جانشین او نه پلیس مخفی قوی و نه ارتشی درخور اتکا داشت؛ از طرف دیگر، کشور در اشغال متفقین بود و شاه جدید، قدرت پدر را نداشت و فاقد «چشم و گوش» پیشینیان بود (سولیوان، ۱۳۶۱: ۶۹). تا زمان کودتای ضد مصدق، نظام اطلاعاتی چندان قوی نبود؛ ولی در دوره پهلوی دوم نیز، نهادهای چندگانه اطلاعاتی و امنیتی وجود داشت. نهادهایی مانند بازرسی کل کشور و بعداً ساواک و رکن دوم ارتش که بهره‌گیری از آن‌ها، از جمله سیاست‌های داخلی رژیم، برای کنترل همه‌جانبه کشور بود. سازمان بازرسی کل کشور وظیفه داشت بر چگونگی کار مأموران نظارت کند و مراتب تخلف در

داخلی کشور گذاشت؟ حال این نوشتار می‌کوشد با بهره‌گیری از منابع معتبر و مختلف، این مسئله را بررسی کند.

پیشینه سازمان‌های نظارتی در عصر پهلوی

دوره پهلوی آغاز عصر نوینی در ایران بود و در این زمان، در بسیاری از جنبه‌های حکومت تغییراتی ایجاد شد. با توسعه نظام اداری و تحولات داخلی و تلاش برای ایجاد دولت مطلق، به مسائل مربوط به امور نظامی و نهادهای کنترل‌کننده نیز توجه مضاعف شد؛ سپس با ایجاد سازمان‌های اداری دولتی، زمینه دولتی مدرن پایه‌گذاری شد (گراهام، ۱۳۵۸: ۶۶). رضاخان بعد از روی کار آمدن، در ادامه اقدامات نوسازی و برقراری تمرکز، سعی کرد از راه‌های گوناگون امر بازرسی را انجام دهد؛ راه‌هایی مانند تنبیه مأموران خاطی و قانون‌شکن، سخت‌گیری و اعمال فشار بر کارگزاران، سرکشی بدون اطلاع به قسمت‌های مختلف، ایجاد فضای خفقان‌آلود در کشور و... در عصر رضاشاه نظمی، یعنی ارتش و دیگر نهادهای کنترل‌گر، وظیفه نظارت و ارائه گزارش از محل خدمت خود را برعهده داشتند (تقوی، ۱۳۸۹: ۱۴۲ تا ۱۴۶). رضاشاه برای بازرسی، از نهادهایی مانند شهربانی که به تازگی اداره آن را از سوئدی‌ها گرفته بود و امنیت بهره گرفت و بعد از انحلال ژاندارمری، بر آن بود که شهربانی را زیر نظر وزارت جنگ قرار دهد؛ سپس علی‌رغم مخالفت با این طرح، آن را به انجام رساند و اداره آن را به افسران مطمئن خود واگذار کرد (مکی، ۱۳۶۲: ۱۳۸/۲ تا ۱۴۱). شاه می‌خواست با کمک مسئولان این اداره، بر هر امری اشراف پیدا کند^۲ و با برقراری هیئت‌های بازرسی، اصلاحات مهمی در کار ادارات دولتی پیشین به وجود آورد (نفیسی، ۱۳۴۵: ۵۴ و ۵۵). بنابراین، هرگاه عصر پهلوی اول را با قبل مقایسه کنیم،

ادارات را به دیوان عدالت اداری گزارش دهد و تمام قسمت‌ها را بازرسی کند (عبده، ۱۳۶۸: ۱۷۶/۱ تا ۱۷۹). بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش/۱۹ اوت ۱۹۵۳م، دامنه نهادهای اطلاعاتی گسترش یافت که بازرسی شاهنشاهی یکی از این ارگان‌های بود.

تأسیس سازمان بازرسی شاهنشاهی

علل تأسیس این سازمان را باید در سال‌های بعد از کودتای ۲۸ مرداد جستجو کرد. در واقع شاه از سال ۱۳۳۵ش/۱۹۵۶م به بعد، می‌خواست هرچه بیشتر قدرت کشور را در دست خود گیرد و نقش قدرتمندتری در سیاست و کارهای مملکت داشته باشد. او تا این زمان، ساواک را جایگزین سرویس‌های امنیتی اطلاعاتی قدیمی کرده بود (لاینگ، ۱۳۷۱: ۲۲۱)؛ ولی این ارگان را کافی نمی‌دانست و دائم بر دامنه این سازمان‌ها می‌افزود. اصولاً ترس او از تکرار حوادث قبل کودتا و تلاش برای اطلاع از حوادث و مشکلات داخلی، نقش بسیاری در ایجاد نهادهای مختلف اطلاعاتی داشت. همچنین فساد و ناکارآمدی که در کشور حاکم شده بود، ضرورت ایجاد سازمان را محسوس‌تر می‌نمود. در دهه بعد از کودتا، افزایش مداوم و آرام قیمت نفت و وام‌های خارجی و رشد دیکتاتوری، فساد رسمی را گسترش داد (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۴۵ و ۲۴۶). از طرف دیگر، شخص شاه به سرویس‌های رسمی خود اعتماد نداشت و می‌خواست ساواک را نیز تحت نظارت قرار دهد؛ لذا یک سوپر ساواک (بازرسی شاهنشاهی) تأسیس کرد (امیرعلایی، ۱۳۶۱: ۴۱۱). بنابراین، مسئله نظارت بر کار دیگر ارکان جامعه تأثیر بسیاری، در شکل‌گیری بازرسی شاهنشاهی گذاشت. در ادامه همین روند بود که شاه در اواسط سال ۱۳۳۷ش/۱۹۵۸م، فرمان تشکیل سازمان را با این مضمون صادر کرد: «به منظور رسیدگی به شکایات مردم

از ادارات و دوائر و مأمورین دولتی اعم از کشوری و لشکری و قضائی و همچنین شهرداری‌ها و... لازم می‌دانیم سازمانی به نام سازمان بازرسی شاهنشاهی تشکیل شود تا به عرایض و شکایاتی که به ما می‌رسد در اسرع اوقات رسیدگی و نتیجه را از نظر ما بگذرانند» (فرمان همایونی مندرج در اساسنامه و آیین‌نامه سازمان بازرسی شاهنشاهی، مهرماه ۱۳۳۷). به دنبال این فرمان، در اواخر مهر این سال سازمان بازرسی شاهنشاهی تأسیس شد (اطلاعات، ۱۳۳۷، سال سی و سوم، ش ۹۷۴۳: ۱). طول عمر این سازمان، بیست سال بود و از ابتدای تأسیس تا زمان انقلاب، دو مرحله را پشت سر گذاشت: مرحله اول از ۱۳۳۷ش/۱۹۵۸م، تا نخست‌وزیری علی امینی. نخست‌وزیر جدید هم به علت اینکه سازمان مبنای قانونی نداشت و در مجلس به تصویب نرسیده بود و هم اینکه مخارج سازمانی را که در انجام وظایف خود، از جمله حذف فساد، موفقیت‌چندانی نداشته است هزینه‌ای اضافی و تحمیلی بر کشور می‌دانست آن را منحل کرد. از این زمان تا سال ۱۳۴۷ش/۱۹۶۸م، سازمان بازرسی عملاً وجود نداشت. امینی معتقد بود این روش اداره کردن، کشور را به هرج و مرج و نابودی می‌کشد. کشوری که با بحران سختی مواجه است و با وجود لایحه اصلاح و نظارت‌داری‌ها و قانون از کجا آورده‌ای؟ فساد به نهایت درجه رسیده است (لاینگ، ۱۳۷۱: ۲۲۷ تا ۲۲۹). امینی در ابتدای کار خود، نطقی ایراد کرد که از رادیو پخش شد و از روش مدیریت کابینه‌های گذشته و عملیات ساواک انتقاد و برنامه دولت خود را مشخص کرد؛ از جمله مفاد این برنامه مبارزه با فساد و راه‌های دفع آن بود (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش ۱۷۳۸۰۳۸: ۳۸). در مدت انحلال سازمان بازرسی، نهادهای دیگر مانند ساواک، بازرسی کل کشور، ارتش، دفتر ویژه و... وظیفه بازرسی را انجام می‌دادند. وزارت

بود که بررسی نمی‌شد (خواندنی‌ها، ش ۸۴، سال ۳۲، ۱۳۵۱: ۱۴ و ۱۵). باید گفت، این سازمان از استقلال مالی برخوردار بود و برای انجام بازرسی و اعزام هیئت‌ها مشکلی نداشت. وقتی سازمان مجدداً دایر شد، همان زمان، مجلس قانون بودجه آن را به مبلغ ۷ میلیون تومان تصویب کرد؛ سپس دولت موظف شد از محل درآمد عمومی سال کل کشور، هزینه‌های جاری و سرمایه‌ای سال ۱۳۴۷ش/۱۹۶۸م، سازمان بازرسی شاهنشاهی را با رعایت مقررات و قوانین مربوط پرداخت کند (مجموعه قوانین مجلس شورای ملی، قانون بودجه بازرسی شاهنشاهی: مصوب ۴/۲۳/۴۷). بودجه سازمان هر سال، در بودجه کل دولت تعیین می‌شد. بودجه علنی و چاپ‌شده سازمان در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ش/۱۹۷۷ و ۱۹۷۸م، ۸ میلیون دلار، یعنی ۶۰ میلیون تومان بود که در بررسی کارنامه آن، تناسبی بین بودجه و اهمیت آن وجود نداشت (گراهام، ۱۳۵۸: ۱۷۴). سازمان دارای کارمندان اندک بود و افرادی از وزارتخانه‌های مختلف و نیروهای مسلح و حتی ساواک، به آن قرض داده می‌شد.

علل و انگیزه‌های تأسیس مجدد سازمان بازرسی

شاهنشاهی

محمدرضا شاه بعد از اعلام انقلاب سفید، برای احیای قدرت خود، تصمیم به ایجاد مجدد سازمان بازرسی شاهنشاهی گرفت. پس برای رسیدگی به شکایات مردم، بازرسی ادارات، برقراری عدالت و... بعد از یک وقفه، دوباره سازمان را دایر کرد (اورنگ، ۱۳۴۷: ۲۷۴ تا ۲۷۶). همچون دوره اول، وجود فساد و سوءاستفاده و کارشکنی مقامات و نیز لزوم کنترل بخش‌های مختلف کشور، از جمله مهم‌ترین علل پیدایش مجدد سازمان بازرسی شاهنشاهی بود. در این سال‌ها، با افزایش کارویژه‌های دولت و گسترش بوروکراسی، در

دادگستری نیز تیم‌های بازرسی اعزام می‌کرد؛ اما این وظیفه قانونی آن نبود؛ لذا در ادامه این کارشکنی‌ها، این بار به شکل قانونی، شاه دستور تأسیس مجدد سازمان را صادر کرد (خواندنی‌ها، ش ۸۴، سال ۳۲، ۱۳۵۱: ۴۹). باین حال، در همان دوره نیز شکایاتی به سازمان می‌رسید؛ مثلاً شکایت عده‌ای از مردم جنوب شهر تهران، از اعمال طیب حاج‌رضایی و وجود اسلحه نزد وی که این نامه را سپهبد مرتضی یزدان‌پناه به شهربانی فرستاد (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش ۰۲۲۰۵۰۰۴: ۵). همچنین رسیدگی محرمانه به شکایت عده‌ای از اهالی گرگان، از اداره املاک و مستغلات پهلوی که املاک بسیاری از مردم منطقه را غصب کرده بود (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش ۰۷۷۰۰۸۵: ۲) و... بنابراین، این مرکز همچنان مرجعی برای رسیدگی به شمار می‌رفت. اولین رئیس سازمان بازرسی سپهبد مرتضی قلیخان یزدان‌پناه، از دولتمردان عصر رضاشاه و آخرین رئیس آن حسین فردوست بود.^۳ در دوره اول، سازمان بیشتر هیئت‌هایی به استان‌های مختلف کشور اعزام کرد با هدف شناسایی مناطق گوناگون و نیازمندی‌های آن‌ها. به زعم میرخلف‌زاده: «در اثر کوشش‌های ثمربخش و فعالانه بازرسان هنوز یک سال از تأسیس سازمان نگذشته بود که به ۳۹ هزار نامه واصله رسیدگی شد و تعداد ۳۳۶ نفر از مأموران کشوری و لشکری پس از تحقیقات، به جرم سهل‌انگاری در کار مردم تعقیب و از کار برکنار شدند» (میرخلف‌زاده، ۲۵۳۵: ۳۶۴). درباره نتایج این تظلمات مطلب چندانی دانسته نیست؛ ولی تعطیلی سازمان در اوایل دهه چهل، نشانه‌ای از ناکارآمدی آن است. در خواندنی‌ها ذکر شده است که: «... یزدان‌پناه از فرط انسانیت و مسالمت برای مسند امامت جمعه مناسب‌تر بود تا ریاست یک سازمان قوی که دست خطاکار را کوتاه کند» (خواندنی‌ها، ش ۵۹، سال ۳۳، ۱۳۵۲: ۷). در سازمان پرونده‌های بی‌شماری

به آن‌ها مذاکراتی صورت گرفت. رئیس مجلس، عبدالله ریاضی، یادآوری کرد با عنایت به تعطیلات یک‌ماهه فروردین این سال، یعنی ۱۳۴۷ش/۱۹۶۸م، و مسائل دوماهه آخر سال گذشته ۴هزار و ۱۱۹ فقره عرایض واصله، تحت‌رسیدگی اداری و حضوری قرار گرفته است (مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۲، جلسه ۵۶: ۵۶). این گزارش‌ها حاکی از وخامت اوضاع بود؛ لذا این سازمان برای دومین بار، در خرداد ماه سال ۱۳۴۷/۱۹۶۸م، بنا به اراده و امر شاهنشاه و به‌منظور نظارت در حسن اجرای قانون و رسیدگی به شکایات و نیازمندی‌های مردم تشکیل شد و فعالیت خود را آغاز کرد (مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۳، جلسه ۵۷: ۵۷). شاه در حضور هیئت رئیسه سازمان بازرسی شاهنشاهی یادآور شده بود: «وظیفه هیئت بازرسی وظیفه‌ای بس خطیر است. این سازمان در طول مدتی که تأسیس شد و به خدمت پرداخت، موجب امیدواری مردم شد؛ زیرا مردم فهمیدند که سازمان با بی‌نظری و موشکافی کامل، در سراسر مملکت به شکایات آن‌ها رسیدگی می‌کند» (پهلوی، ۲۵۳۵: ۱/۵ ۶۶۰۲). واقعیت آن است که شاه از مزایا و تأثیر مثبت سازمان آگاه بود و اینکه سازمان می‌توانست کمک بسیاری به او کند. او هدف از تأسیس سازمان را چنین بیان کرده است: «هرچند ژاندارمری و دیگر سازمان‌های دولتی دیسپلین داخلی خود را به‌خوبی برقرار می‌کنند، تجربه احتیاج به یک سازمان بازرسی مستقل را نشان داده است و این کاری است که سازمان بازرسی شاهنشاهی من انجام خواهد داد. کارکنان این سازمان در هر کجا که می‌خواهند می‌روند و بدون ترس و جانبداری، هر نوع بی‌عدالتی احتمالی را بررسی می‌کنند» (پهلوی، ۲۵۳۶: ۱۷۴). ایجاد دوباره سازمان یکی از اقدامات دولت، در راستای انقلاب اداری معرفی شد که در کنترل ادارت دولتی نقش مفیدی ایفا

کنار شدت‌یافتن دیکتاتوری، فساد مالی و اداری نیز افزایش یافت (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۴۶ تا ۲۴۹). ترس از این همه فساد و ضعف بوروکراسی، شاه را برای تأسیس مجدد سازمان بیشتر تحریک کرد. مینو صمیمی نیز درباره شیوع فساد در این زمان می‌نویسد: «کاملاً مطمئن بودم که غیر از من بسیاری از کارمندان سازمان حمایت از کودکان، از فساد رایج گله داشتند... مردم مثل من فکر می‌کردند که به خاطر آلودگی عمیق خانواده شاه به فساد، پاکسازی کشور باید از دربار شروع شود که چنین اقدامی به خاطر مخالفت شاه با دست‌زدن به ترکیب دربار ممکن نبود» (صمیمی، ۱۳۹۱: ۱۸۴). بنابراین وجود فساد، فقط مختص قسمت‌های مختلف کشور نبود؛ بلکه خود دربار و خاندان سلطنت، به‌نوعی منشأ این فساد بودند. شکایاتی که از این بخش‌ها و مقامات عالی‌رتبه می‌شد از دیگر علل اصلی تشکیل مجدد بازرسی شاهنشاهی بود. شاه اذعان داشته: «دو اصل ۱۴ و ۱۹ انقلاب، ناظر بر مبارزه با فساد (عامل مخرب و منفی) می‌باشد که نقطه مقابل فلسفه انقلاب است؛ یعنی تعیین و تثبیت قیمت‌ها، توزیع کالا و نظارت بر اصناف، مبارزه با گران‌فروشی و احتکار و... و دولت گروه‌های نظارت و بازرسی تشکیل می‌دهد و...» (پهلوی، ۲۵۳۶: ۱۸۳ تا ۱۹۲). همچنین در مصاحبه با استانداران و فرمانداران کل کشور، در خرداد ۱۳۴۷ش/۱۹۶۸م، گفته بود: «... این سازمان به شکایات مردم رسیدگی می‌کند. اگر افرادی شکایتی داشتند و بعد از طی سلسله مراتب اداری هم به جایی نرسیدند، یک مرجع و پناهگاهی وجود خواهد داشت که به شکایات رسیدگی خواهند کرد و گزارش خود را بدهد...» (پهلوی، ۲۵۳۵/۵: ۴۱۷۰/۵ و ۴۱۷۱). بنابراین، در تبلیغاتی که صورت می‌گرفت سازمان مرجعی، برای رسیدگی به شکایات به حساب می‌آمد. در مجلس شورای ملی نیز، درباره شکایات و رسیدگی

وابسته به دربار و نزدیک به شاه رسیدگی کرد و بازرسی استقلال بیشتری یافت. همچنین در دوره دوم، سازمان مبنای قانونی و رسمیت پیدا کرد و علنی‌تر به فعالیت پرداخت. شاه با تأسیس مجدد سازمان، اختیارات بسیاری به فردوست واگذار کرد. او حق داشت تمام پرونده‌ها را ببیند و کسی نباید مسئله‌ای را از او پنهان می‌کرد. فردوست بدون اطلاع قبلی، به نقاط مختلف سفر و با کمک هیئت‌های خود، مأموران را تفتیش می‌کرد. او به صورت غیررسمی و به راحتی، انجام وظیفه کرده و به ادارات سرکشی می‌کرد؛ هرچند قدرت آن‌ها را نداشت (استمپل، ۱۳۷۷: ۴۶ و ۴۷). درخور توجه‌ترین و مهم‌ترین فرد در بین رؤسای امنیتی رژیم پهلوی دوم، ژنرال فردوست بوده او که همکلاسی سابق شاه، قائم‌مقام ساواک، مشاور امنیتی شاه و رئیس بازرسی شاهنشاهی و دفتر ویژه بود (Azimi, 2008: 139-40). همین اختیارات دست او را برای ورود به هر برنامه و مسئله‌ای باز گذاشته بود. شاه در تلویزیون فرانسه گفته بود که فردوست را مأمور می‌کنم تا همه امور را از صفر شروع و به گزارش‌ها رسیدگی کند (امیرعلایی، ۱۳۶۱: ۴۱۲). سازمان باید فعالیت ساواک و رکن دو را زیر نظر می‌گرفت؛ اگرچه علناً این وظیفه اعلام نمی‌شد. فردوست بازرسی شاهنشاهی را ساماندهی کرد. او درباره اوضاع این سازمان اذعان می‌کرد: «از وقتی که به بازرسی رفتم تعداد پرسنل را از ۱۵۰ کارمند پیر و فرسوده، به ۱۵۰۰ کارمند فعال رساندم و به کمک ۲۵۰ مأمور تحقیق تا آستانه انقلاب ۴ هزار پرونده سوءاستفاده و بیش از ۱۰ میلیون تومان تحویل محمدرضا دادم... همه از بایگانی راکد سربرآورد و از پیگیری کوتاهی نکردم...» (فردوست، ۱۳۸۶: ۴۶۵/۱). بنابراین، سازمان وضع ظاهری بهتری پیدا کرد و به نوعی، احیاء شد و همین امر، امید به نتیجه‌بخش بودن

می‌کرد (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۵۰: ۷۲). بنابراین در ادامه برنامه انقلاب سفید، به زعم شاه برای اجرای درست بند انقلاب اداری برپایی مجدد سازمان، بعد از شش سال وقفه، لزوم داشت. شاه در سال‌های بعد از ۱۳۴۲ش/۱۹۶۳م، در واقع می‌خواست برای اجرای برنامه‌های خود کشوری آرام داشته باشد و هدف از ایجاد کشوری پلیسی، سرکوب کسانی بود که اجازه تفکر در خارج از چارچوب «مأموریت وی برای وطنش» را به خود می‌دادند (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۸۲). بنابراین، مجموعه‌ای از این علل و اهداف را که در تأسیس مجدد سازمان نقش داشتند می‌توان این‌گونه برشمرد: کنترل اوضاع جامعه؛ جلوگیری از قانون‌گریزی فزاینده؛ نظارت دقیق‌تر بر کار ادارات و نهادهای وابسته به حکومت؛ جلوگیری از سوءاستفاده مقامات عالی‌رتبه؛ رسیدگی به شکایات مردم، برای آرام کردن اعتراضات و جلب اعتماد مردم به حکومت؛ نظارت بر اجرای برنامه‌های انقلاب سفید و اطلاع از دستاوردها و نتایج آن و... .

عملکرد سازمان در دوره ریاست حسین فردوست

در اواخر سال ۱۳۵۱ش/۱۹۷۳م، با مرگ سپهبد مرتضی یزدان‌پناه، شاه ریاست سازمان بازرسی شاهنشاهی را به حسین فردوست، دوست دوران کودکی و افسر در کانون علاقه‌اش، واگذار کرد. این سازمان بر فعالیت مقامات بلندپایه نظارت می‌کرد و چگونگی عملکرد آن‌ها را و اینکه آیا در جهت سیاست شاه هستند یا خیر گزارش می‌داد. در این دوره، اقدامات سازمان بیشتر به بررسی مداخله بسیاری از دولتمردان در امور خلاف قانون و تهیه گزارش از نواقص کار مربوط می‌شد. با مطالعه اسناد و مدارک و منابع مختلف، ظاهراً در این دوره و در مقایسه با دوره اول، عملکرد سازمان متنوع‌تر و بهتر بود؛ چراکه به پرونده فساد بسیاری از افراد

این نمونه نشان می‌دهد سازمان، در هر امر داخلی و خارجی که به حکومت و جامعه مربوط می‌شد، مداخله می‌کرد. در سال ۱۳۵۵ش/۱۹۷۷م، نیز از سازمان خواسته شد به اتهام سوءاستفاده دو نفر از معاونان وزیر دارایی و شرکت تیت اند لایل^۱، در قضیه خرید محموله شکر ۲۵۰ هزار تُنی رسیدگی کند. سازمان یکی از معاونان قبلی مدیر کل بانک مرکزی را به همراه هیئتی به لندن فرستاد تا دفاتر این شرکت را بازرسی کند؛ پس از بررسی گفته شد، این اتهامات نارواست و صحّت ندارد (گراهام، ۱۳۵۸: ۱۷۴). شاپور ریپورتر با دلالی خود، قرارداد شکر ایران را با این شرکت انگلیسی امضاء کرد؛ اما فلیکس آقایان که به زعم فردوست بزرگ‌ترین قاچاقچی قرن بود، به خشم آمد و گزارش این معامله را منتشر کرد؛ ولی حادثه فوق، نه تنها سبب تیرگی روابط شاپورچی با شاه نشد، بلکه او با اقتداری بی‌سابقه، به حضور خود در دربار ادامه داد (فردوست، ۱۳۸۶: ۱/۱۶۴ تا ۱۹۶). در خصوص این پرونده، الموتی اظهار داشته است که پس از رفتن به دیوان کیفر متهمان تبرئه شدند (الموتی، ۱۳۶۹: ۵۵/۱۰). بنابراین گزارش تهیه می‌شد؛ ولی همیشه نتیجه بازرسی‌ها مثبت و کارساز نبود. از دیگر وظایف سازمان این بود که زمانی لایحه و قانونی به تصویب می‌رسید، هیئت‌هایی برای اطلاع از نحوه و کیفیت اجرای آن اعزام می‌شد؛ از جمله این قوانین، برنامه مبارزه با گران‌فروشی بود که در سال ۱۳۵۵ش/۱۹۷۷م، به علت افزایش تورّم در اقتصاد و برای دفاع از حق مصرف‌کنندگان اعلام شد (هلیدی، ۱۳۵۸: ۱۶۶). فردوست اذعان کرده است: «وقتی فرمان شاه از طریق معینان به من ابلاغ شد ۲۰-۳۰ نفر از میان افسران تحقیق و بازرسی تعیین کردم و آن‌ها هیئت‌هایی کوچک‌تر انتخاب کردند و به استان‌های مختلف اعزام شدند... و بدین ترتیب در هر ۲ ماه حدوداً از ۶ الی ۱۰

کارکرد آن را افزایش می‌داد. رسیدگی به شکایات مردم، نظارت بر کار سازمان‌ها و مقامات عالی‌رتبه، اعزام هیئت‌هایی به نقاط مختلف برای نظارت و اطلاع از نحوه کار ادارات و بررسی دستاوردهای انقلاب سفید از جمله وظایف سازمان بود. در این سال‌ها، زیرنظر فردوست به بسیاری از شکایات و کارهای خلاف قانون و فساد مقامات رسیدگی شد. البته هیئت‌ها در بازرسی‌ها، کارهای مفیدی نیز انجام می‌دادند؛ احمد احمد یکی از سپاهیان دانش اعزامی به روستای خیرآباد سمنان بود. او روزی که خبردار شد نماینده بازرسی شاهنشاهی به آنجا رفته است، خود را به او رساند و از مشکل آب آن روستا صحبت کرد؛ پس از مذاکره، نماینده را به روستا برد و با تشکیل کمیسیون، فرمانداری را ملزم کرد ۸۰ درصد هزینه لوله‌کشی را تقبل کند؛ بدین ترتیب روستای فوق صاحب آب شد (احمد، ۱۳۸۹: ۲۰۰ تا ۲۰۵). سازمان به هیئت‌های اعزامی، در مناطق مختلف اختیار می‌داد که به اقدامات اصلاحی نیز پردازند و علاوه بر تهیه گزارش، به این گونه کارها نیز مبادرت کنند؛ با این حال، هیئت‌ها بیشتر به بررسی و تهیه گزارش می‌پرداختند. از دیگر گزارش‌های سازمان، مسئله استادیوم آزادی بود که برای مسابقات آسیایی ساخته شد. ظاهراً در فونداسیون آن شکافی دیده شد و فردوست هیئتی اعزام کرد و پس از بازرسی، مشخص شد از آهن با درجه مقاومت ضعیف استفاده شده است و احتمال ریزش وجود دارد؛ پس با دستور شاه پروژه تعطیل شد؛ ولی مدتی بعد، مهندسی فرانسوی برای بررسی آمد. فرمانفرمایان، پیمانکار پروژه، او را راضی کرد بنویسد «این بنا بد ساخته نشده». هرچند مهندس فرانسوی به ریزش احتمالی بنا اشاره کرد شاه دستور داد خود مهندس فرمانفرمایان آن را تعمیر کند و بعد از یک سال استادیوم افتتاح شد (فردوست، ۱۳۸۶: ۱/۲۶۷). ذکر

منابع طبیعی، منوچهر پرتو وزیر دادگستری و جلال آهنچیان شرکت کردند. این افراد مخصوصاً آهنچیان و گلسرخی، با زدن اعلامیه و زدوبندهای غیرقانونی، به این بهانه که برخی از املاک طبق ماده ۵۶، جزء اراضی ملی شده منابع طبیعی است، زمین‌های بسیاری غصب کردند. بعد از مدتی، شاه جریان را از فردوست پرسید و او ماجرا را تأیید کرد و در ادامه، خسروانی و گلسرخی و سه وزیر برکنار شدند و مسئله خاتمه پیدا کرد (فردوست، ۱۳۸۶: ۲۷۱/۱). نمونه‌های بسیاری از این دست را بازرسان این سازمان گزارش کرده‌اند که اکثراً از فساد و کارشکنی، در دهه آخر حکومت محمدرضا شاه حکایت می‌کنند. این سازمان در امور آموزشی نیز مداخله می‌کرد و برای اطلاع از وضعیت کشور در زمینه آموزش، به اعزام هیئت‌هایی می‌پرداخت. این اقدام تلاشی برای شمارش تعداد محصلان و معلمان و امکانات و نواقص مراکز آموزشی بود که در سال‌های بعد از اعلام انقلاب شاه، در امور تحصیلی اجرا شد. در این بازرسی‌ها، از نظر کمی و کیفی و امکانات و توانمندی‌ها، از مدارس مقاطع تحصیلی مختلف بازدید شد و در گزارش بازرسان، نواقص و ابزاری که نیاز بود مطرح و پرونده آموزگاران و بسیاری از دانش‌آموزان نیز بررسی شد (مرکز اسناد ملی، ش ۲۹۷/۴۶۶۶۶، پرونده گزارش سازمان راجع به آموزش و پرورش). این اقدام نیز، به نوعی ارزشیابی مؤسسات آموزشی کشور به شمار می‌رفت و با این روش می‌خواستند از فساد، بی‌نظمی، اتلاف و هدر دادن پول و وقت، تبعیض، بی‌لیاقتی و اصولاً مشکلات نظام آموزشی جلوگیری کنند.

نتایج بازرسی در دوره فردوست

این دوره، در مقایسه با دوره قبل، اقدامات سازمان تنوع بیشتری یافت و سازمان بازرسی‌های مختلفی انجام داد؛ اما نتوانست آن‌طور که انتظار می‌رفت عمل

استان بازرسی می‌شد... همراه هر هیئت یک متخصص اقتصاد بود و در مرکز برای اظهار نظر قطعی از ۲ استاد دانشگاه دعوت می‌شد که نظر خود را به گزارش اضافه کنند. نتیجه بازرسی این بود که این برنامه به هیچ وجه موفق نبوده و فروشندگان را به تقلب سوق داده و اجناس مرغوب را مخفی می‌کنند و...» (فردوست، ۱۳۸۶: ۶۶۰/۱ و ۶۶۱). بنابراین این نهاد از نزدیک با مسائل روز در ارتباط بود.

چنان‌که گفته شد سازمان مرجعی، برای تظلم‌خواهی نیز به شمار می‌رفت یا حداقل بسیاری از مردم، به این دیده به سازمان می‌نگریستند؛ از این رو، شکایات بسیاری به آن ارسال می‌کردند؛ از جمله شکایت ناصر طلوعی از زاهدان، برای اعتراض به اقدامات اصغر منصوری، مدیرعامل آب منطقه جنوب شرقی کشور (مرکز اسناد مجلس شورای ملی، ش ۶/۱۲۶/۱۲/۱/۱۳). همچنین تلگراف شخصی به نام باباقریان از چالوس، راجع به دو نفر به نام‌های میوه‌چی و مستوری که باعث اذیت و آزار اهالی می‌شدند (مرکز اسناد مجلس شورای ملی، ش ۶/۷۶۳/۳/۱/۱). خانواده خسروی‌ان از اهالی پیرلنجان، حوالی اصفهان، در شکایت از رمضانعلی و خدامرداد دهقانانی که به تحریک فردی به نام احمدخان صالحی باعث اخلاص‌گری شده‌اند، از سازمان تقاضای رسیدگی کردند (مرکز اسناد مجلس شورای ملی، ش ۲۲/۳۴/۴/۱/۴/۴۸). این نمونه‌ها نشان‌دهنده این است که مردم آن‌طور که شاه ابزار کرده بود و در تبلیغات خود بر آن تأکید می‌کرد، سازمان را همچون ابزاری برای احقاق حق خود می‌دانستند و با ارسال عرایض خود به آن، انتظار داشتند به آن‌ها رسیدگی شود. شاید پرونده ناصر گلسرخی، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پرونده‌ای بود که در سازمان مطرح شد. در جلسات قمار در خانه پرویز خسروانی وزیر تربیت بدنی و مدیر باشگاه ورزشی تاج، حسن زاهدی وزیر کشور هویدا، ناصر گلسرخی وزیر

کند و نهایتاً دچار نوعی انحطاط و رکود شد. با مطالعه درباره علل آسیب‌شناسی و عملکرد ناموفق سازمان متوجه می‌شویم این سازمان، با اقدامات خود و تلاش‌هایی که در راستای انجام وظایف به عمل آورد در نهایت، از کنترل اوضاع و بخش‌های مختلف جامعه و جلوگیری از سقوط رژیم ناتوان بود. فردوست به عنوان کسی که سازمان زیرنظرش بود، خواه‌ناخواه به این ناکارآمدی اشاره کرده است که بازرسی علی‌رغم تشکیلات و فعالیت خود، ثمری نداشت. او می‌گوید: «طی سال‌های حضور در دفتر ویژه اطلاعات و بازرسی شاهنشاهی با هزاران مورد اختلاس و ارتشاء در سطح مقامات عالی‌رتبه کشور آشنا شدم و موارد سوءاستفاده و حیف‌ومیل نهایت ندارد» (فردوست، ۱۳۸۶: ۲۶۶/۱ و ۶۵۷). با این حال عده‌ای معتقدند فردوست در نوشتن خاطرات، برای حفظ جان و مال خود و نزدیکی به رژیم، سخنان ناروای بسیاری گفته است و شاه و کسانی که با وقوع انقلاب به خارج از کشور رفتند، او را به خیانت متهم کرده‌اند؛ ولی بسیاری از افراد که از نزدیک با این سازمان آشنا بودند به ناکارایی و تأثیر اندک فعالیت‌های آن کم‌وبیش اشاره کرده‌اند. در این دوران، پرونده‌های کلان اختلاس و فساد چندان پیگیری نمی‌شدند و در بسیاری از مواقع، سازمان به ارائه گزارش همت می‌کرد؛ ولی به قول صمیمی: «نتیجه اقدامات بازرسان شاهنشاهی به طور معمول از معرفی آفتابه‌دزدها فراتر نمی‌رفت؛ در صورتی که اگر این سازمان وظیفه خود را به درستی انجام می‌داد، مسلماً می‌توانست نقش مؤثری در برکندن ریشه‌های فساد از ایران داشته باشد» (صمیمی، ۱۳۹۱: ۱۸۵ و ۱۸۶). بنابراین، سازمان اختیارات بسیاری داشت؛ ولی بیشتر، در مسائل ریز و مشکلات نه‌چندان مهم کشور مداخله می‌کرد. اگر آن‌طور که انتظار می‌رفت سازمان در حذف فساد مؤثر بود، باید تا اواخر عمر رژیم دامنه این

معضل برچیده می‌شد و بعد از آن، نیازی به برپایی کمیسیون‌های بازرسی شاهنشاهی^۵ و همچنین، اقدام شاه برای تصویب برنامه مبارزه با فساد، در ۶ بهمن ۱۳۵۴ش/۱۹۷۶م، نبود. سازمان برای مبارزه با این مشکلات و کنترل اوضاع کشور مجدداً برپا شده بود؛ ولی گسترش فساد، در بین مقامات عالی‌رتبه، باعث شد تنها به آن دسته از گزارش‌ها ترتیب اثر داده شود که متهمان و متخلفان آن، به دربار و خاندان سلطنتی وابسته نبودند (سینایی، ۱۳۸۴: ۱۹۶)؛ درحالی که در اکثر گزارش‌های جمع‌آوری شده به وسیله سازمان، به‌نوعی دست دولتمردان یا فردی از اعضای خاندان حکومتی در کار بود. در دهه پنجاه، نتیجه اصلی پیش‌گرفتن این سیاست‌ها، حجیم‌تر شدن و پیچیدگی نهاد بازرسی و تل‌انبار شدن گزارش‌ها بود. در نهایت در سال ۱۳۵۶ش/۱۹۷۸م، برای مبارزه با بحران، مسئله انقلاب اداری را مطرح کردند که بازرسی شاهنشاهی مشخص کند شکایت از هر سازمانی چه علتی دارد و چرا کارها طبق برنامه جلو نمی‌رود. این برنامه نیز عملی نشد. فردوست تصریح کرده است که: «من هر دو ماه یکبار از طریق افسر دفتر ویژه که مسئول پیگیری پرونده‌های فساد و اختلاس بود، پیشرفت کار را سوال می‌کردم... اصلاً پیشرفتی وجود نداشت و صفر بود. همه پرونده‌ها طبق دستور شفاهی نخست‌وزیر به وزیر دادگستری، بایگانی می‌شد و محمدرضا اهمیتی به این امر نمی‌داد» (فردوست، ۱۳۸۶: ۲۶۶/۱). شاید فردوست در خاطرات خود، کمی اغراق کرده باشد؛ ولی به هر حال، در دهه پنجاه مسائل داخلی کشور تحت تأثیر امور خارجی و بین‌المللی قرار گرفته بود و این اظهارات هم چندان دور از واقعیت نیست. بسیاری از ناظران و کسانی که شرح تجربه‌ها و شنیده‌های خود را نوشته‌اند به نبود رسیدگی درست در برابر نارسایی‌ها، به‌ویژه بعد از تهیه گزارش به‌وسیله

مهم‌ترین ضعف‌های نهادهای جاسوسی و کنترل‌گر رژیم سابق همین بود که تأثیر چشمگیری در روند عملکرد این نهادها برجای گذاشت؛ پس در آسیب‌شناسی این نهادها، همواره باید به آن توجه کرد. گاهی همکاری‌هایی نیز صورت می‌گرفت؛ در سال ۱۳۵۶ش/۱۹۷۶م، عده‌ای از اهالی قریه جور، از توابع شمیرانات، گزارشی درباره اقدامات فرزندان حاج سیداسحاق موسوی که بر ضد حزب رستاخیز بود به سازمان بازرسی شاهنشاهی رساندند. سازمان نیز، گزارش را به ساواک داد و ساواک برای شناسایی افراد نامبرده دست به کار شد (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش ۰۰۰۶۶۳۳۷). گرچه مسئولان ارشد دیگر نهادها، مانند پرویز ثابتی، در گفتگوهای خود همواره سعی کرده‌اند که همه امور را به ساواک نسبت دهد و اینکه ساواک مبارزه با فساد را بهتر انجام می‌داده است. به علت مشکلات جامعه و گرفتاری و اشتغال حکومت به مسائل دیگر، به ویژه مسائل بین‌المللی و فساد و هرج و مرج نظام اداری و کارشکنی بسیاری از مقامات عالی‌رتبه، به این گزارش‌ها و آمادگی‌های سازمان ترتیب اثر داده نمی‌شد. انصاری درباره مسئله اختلاس شکر می‌نویسد: «پرویز بوشهری برادر همسر سوم اشرف [مهدی بوشهری] بود که در دادوستد با زدوبند شرکت داشت... بین او و فلیکس آقایان، رئیس فدراسیون اسکی، اختلاف افتاده بود و پس از انجام بازرسی، مهدوی، وزیر بازرگانی و دو تن از معاونان او متهم و برکنار شدند؛ درحالی که سوءاستفاده‌کننده‌های اصلی بوشهری و فلیکس بودند» (انصاری، ۱۳۷۰: ۲۰ و ۲۲). در این سال‌ها بسیاری از امور نیمه‌کاره رها و بدین ترتیب، بایگانی می‌شدند و زمانی که کار یک پرونده طولانی می‌شد، به علت نبود نظارت و پیگیری دقیق نیمه‌کاره می‌ماند. بعضی برآند که فردوست بعد از انقلاب، برای حفظ جان و مال، خاطرات خود را در

نهادهایی همچون بازرسی شاهنشاهی، اشاره کرده‌اند. همه این‌ها نشان‌دهنده ناتوانی سازمان، در ایفای وظایف خود است. در سال ۱۳۵۷ش/۱۹۷۹م، در دولت شریف‌امامی مشاوران خارجی شاه به او اطمینان دادند مشکل اصلی، توسعه فساد مالی و سوءاستفاده‌های کلان است و این امر باعث نارضایتی مردم شده است. آنان عقیده داشتند اگر چپاولگران معروف تعقیب می‌شدند، وضع کشور مستحکم می‌شد (الموتی، ۱۳۶۹: ۸۲/۱۰). این اظهارنظرها کاملاً واقعیت داشت؛ چراکه به‌زعم فریدون هویدا: «فسادی همه‌جانبه در کشور رواج داشت و مبارزه با آن با تمام سروصدا از مقالات و سخنرانی‌های دلخوش‌کننده فراتر نمی‌رفت» (هویدا، ۱۳۷۴: ۳۷). درحالی که هدف اصلی و علنی از ایجاد سازمان برچیدن فساد بود؛ بنابراین، مشکل فساد و ناکارآمدی به صورت فراگیر در سطح کشور وجود داشت؛ گرچه مدت‌ها بود سازمان بازرسی برای مبارزه با آن بسیج شده بود. مسئله بسیار مهم در این باره، بحث «تداخل وظایف» و مشخص نبودن حیطه اختیارات نهادهای مختلف بود. بازرسی شاهنشاهی، در دوره دوم فعالیت خود، خارج از دادگستری و مستقل‌تر بود؛ چراکه همچون هیئت تفتیشیه عصر پهلوی اول، زیر نظر شخص شاه قرار داشت و تداخل وظایف کمتر پیش می‌آمد. اختیارات بازرسی نخست‌وزیری و بازرسی کل کشور، محدود و این نهاد به اداره بازرسی وزارت دادگستری تبدیل شد و سایر ادارات زیر لوای بازرسی شاهنشاهی قرار گرفتند (زرنگ، ۱۳۸۱: ۴۱/۲ و ۲۶۰). با این حال، حدود اختیارات به‌طور دقیق مشخص نبود. در واقع، نظر شاه این بود که از تمرکز قدرت جلوگیری کند. او اطلاعات را از دیگر سازمان‌ها دریافت می‌کرد از ساواک، دفتر ویژه، بازرسی و پلیس (Afkhami, 2009: 388). تداخل وظایف باعث می‌شد مسئولیت به درستی انجام نشود. اصولاً یکی از

مدیران بحث کنم؛ ولی آیا همه کسانی که نمره پایینی دارند از کار برکنار شده‌اند؟» (ثابتی، ۱۳۹۰: ۶۰۸ تا ۶۱۰). این شکایت نشان می‌دهد در این زمان، به تمام کسانی که از نظر قانونی مشکل داشتند به یک چشم نمی‌نگریستند و در برابر افراد، به‌نوعی تبعیض قائل می‌شدند. در اواخر عمر رژیم، فردوست به لحاظ انجام مسئولیت و ایفای وظایف خود، تغییراتی کرده بود. او به‌طور هم‌زمان، ریاست دفتر ویژه و بازرسی شاهنشاهی را بر عهده داشت. اردشیر زاهدی تصریح کرده است: «شریف‌امامی وزیر صنایع و معادن بود و ایتالیایی‌ها یک کارخانه دست‌دوم کود شیمیایی را مجانی به ایران داده بودند و او این کارخانه را خریداری شده معرفی نمود و ۳۰۰ میلیون تومان از درآمدهای نفتی اخذ کرده بود، کسی از این ماجرا خبر نداشت؛ ولی فردوست اسناد آن را بر روی میز اعلیحضرت گذاشت... شاه گزارش‌های فردوست را ناشی از تنگ‌نظری و زندگی فلاکت‌بار خانواده فردوست می‌دانست... فردوست اکثر رجال مملکت را دزد می‌خواند... او به من گفت: اعلیحضرت از من خبر موثق می‌خواهد؛ ولی وقتی گزارش‌ها را به او می‌دهم، دستور بایگانی می‌دهد... وقتی او از کشت خشخاش و تولید تریاک در یزد و کرمان به وسیله سناتور دره زرشکی (داماد شریف‌امامی) گزارشی تهیه نمود، به بهانه اینکه این کار مصرف دارویی دارد، گزارش را به دور انداخت» (زاهدی، ۱۳۸۱: ۲۷۲ تا ۲۷۵). این گزارش نشان می‌دهد که در اواخر حکومت، روابط شاه با رئیس سازمان مانند سابق نزدیک نبود و شاه به اطلاعات او چندان توجهی نمی‌کرد. در این سال‌ها، بازرسی شاهنشاهی گزارش‌های فراوانی تهیه کرد و در بسیاری از مواقع، سوءاستفاده‌کنندگان و خاطیان و افراد فاسد را برکنار و محاکمه کرد؛ ولی عملکرد آن در نهایت، تأثیر چندانی در بهبود روند امور نداشت و نتوانست مانع

ضدیت و انتقاد از رژیم پهلوی نوشته است. به فرض آنکه نظر فوق صحت داشته باشد، باید گفت فقط او نیست که به ناکارآمدی سازمان بازرسی اشاره کرده است. الموتی معتقد است در این سازمان، بسیاری از پرونده‌های سوءاستفاده زیر گرد و غبار مدفون می‌شد (الموتی، ۱۳۶۹: ۳۸۹/۲). در هفت سال آخر سلطنت پهلوی، ۴ هزار و ۲۰۰ پرونده سوءاستفاده در بازرسی شاهنشاهی و ۷۲۰ پرونده، در دفتر ویژه بود. شاه به ازهاری و شریف‌امامی دستور تعقیب داد؛ ولی اجراء نشد (الموتی، ۱۳۶۹: ۷۶/۱۰). لذا وجود چنین سازمانی، به معنای مبارزه با فساد و کارشکنی نبود. از دیگر وظایف این سازمان، ارزشیابی مدیریت مدیران بود. ارزشیابی اداره‌ها و شرکت‌ها و مدارس و نظارت بر امور آموزشی در مقاطع مختلف، تلاشی برای تضمین سلامت بوروکراسی و انقلاب اداری به شمار می‌رفت. در سال‌های دهه پنجاه، در سازمان بازرسی شاهنشاهی، تشکیلاتی به وجود آمده بود و جمعی از افسران تحصیل‌کرده ارتش را به‌خصوص از بین نیروی دریایی، به آن منتقل کرده و پس از آموزش‌های لازم، مأمور امور ارزیابی کردند. شرکت نفت اولین شرکتی بود که بازرسان آن را ارزشیابی کردند (فخیمی، ۱۳۷۸: ۶۳۵ و ۶۳۶)؛ از جمله مهم‌ترین نمونه‌های ارزشیابی عصر فردوست، مربوط به ادارات استان خوزستان است که در آن، نحوه اقدام بازرسان و چگونگی برخورد با مأموران گزارش شده است (مرکز اسناد ملی، ش ۱۳۰۷۰۹، ۳/۴). اگر در این عملیات، به مأموری نمره کم می‌دادند، برکنار می‌شد. ثابتی اذعان کرده است: «جمشید آموزگار مدیرکل کارگزینی، یعنی ظریفی را برکنار کرد و او نیز به نزد من آمد و شکایت کرد. وقتی علت را از آموزگار جويا شدم گفت بازرسان به او نمره پایین داده‌اند و او نیز جواب داد که نمی‌خواهم درباره صلاحیت بازرسان در تشخیص کاردانی و مدیریت

فوق، برای شناسایی مشکلات کشور و آگاه کردن مسئولان به این مشکلات است.

نتیجه

رژیم پهلوی به مانند بسیاری از حکومت‌ها، برای کنترل همه‌جانبه کشور مکانیسم‌های چندی ایجاد کرد؛ از جمله اقدامات محمدرضا شاه در این راستا، فرمان ایجاد بازرسی شاهنشاهی بود. این سازمان در طول عمر تقریباً بیست‌ساله خود، سه ویژه در دور دوم، یعنی ۱۳۴۷/ش/۱۹۶۹م تا ۱۳۵۷/ش/۱۹۷۹م و به خصوص در عصر ریاست حسین فردوست، با توجه به وسعت اختیارات و وظایف محوله و همچنین گسترش کارشناسی و فساد در ارکان جامعه، اقدامات متنوع بسیاری انجام داد؛ به علاوه گزارش‌های فراوانی تهیه کرد که امروزه به صورت اسناد، در مراکز معتبر و کتابخانه‌ها بایگانی هستند. مجموعه این کارکردها و وظایف و نتایج حاصل از آن‌ها، در این مقاله عملکرد نامیده شده است. سازمان فوق اختیارات بسیاری داشت؛ ولی از امکانات و تشکیلات و وسعت دیگر سازمان‌های دولتی، همچون ساواک، برخوردار نبود. همین‌طور سازمان در بسیاری از مواقع به وظیفه خود که بیشتر همان گردآوری اطلاعات و ارائه آمار و گزارش آن‌ها بود عمل می‌کرد؛ ولی از این منظر که در ساختار حکومت پهلوی دوم، زمینه برای بررسی و رسیدگی به تمام گزارش‌ها وجود نداشت، بسیاری از گزارش‌ها قبل از آنکه به شخص شاه برسد، بایگانی و بسته می‌شدند؛ لذا عملکرد سازمان بازرسی شاهنشاهی طبیعتاً نمی‌توانست تأثیر چندانی در بهبود وضعیت داشته باشد. بنابراین مشکل اساسی نه ضعف ضمانت اجرایی سازمان بلکه ساختار حکومت بود. شخص شاه به عنوان فرد اول مملکت، علی‌رغم اطلاع از این مشکلات و مفاسد در قسمت‌های مختلف، عملاً تلاش چندانی برای حذف نواقص مملکت نمی‌کرد. شاه

ضعف نظام اداری و سقوط رژیم شود. یعنی هدفی را که شاه از تأسیس مجدد سازمان دنبال می‌کرد، محقق نشد.

انحلال بازرسی شاهنشاهی

طول عمر این سازمان، با یک وقفه چند ساله، تقریباً دو دهه بود؛ یعنی از سال ۱۳۳۷/ش/۱۹۵۸م تا سال ۱۳۵۷/ش/۱۹۷۹م. با تأسیس کمیسیون شاهنشاهی، بازرسی شاهنشاهی از رونق افتاد؛ ولی همچنان وجود داشت و تا وقوع انقلاب به حیات خود ادامه داد. فردوست در این باره گزارش داده است: «در تاریخ دی‌ماه ۱۳۵۷/ش/۱۹۷۸م معینان، رئیس دفتر مخصوص شاه، نامه‌ای به من داد که از این به بعد بازرسی شاهنشاهی به دستور شاه منحل شده است. ابتدا بسیار تعجب کردم و نگذاشتم کسی از نامه مطلع شود... بازرسی را که براساس قانون به وجود آمده بود نه تصویب‌نامه، نمی‌شد بدین شکل منحل کرد... روزی با ازهاری و نجفی (وزیر دادگستری) موضوع را مطرح کردم که انحلال بازرسی اشکالی ندارد... و نجفی داریی سازمان را به دولت بختیار برد و هدف شاه آن بود که تعدادی از سازمان‌های وابسته به دربار را منحل کند» (فردوست، ۱۳۸۶: ۶۵۷/۱ و ۶۵۸). بدین وسیله، سازمان بازرسی شاهنشاهی انحلال یافت و کمی بعد از انقلاب، به موجب اصل ۱۷۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی، سازمان بازرسی کل کشور زیر نظر قوه قضاییه، جایگزین آن شد (زرننگ، ۱۳۸۱: ۲۸۵/۲ و ۲۸۶). بنابراین، سازمان بازرسی شاهنشاهی با تمام مشکلات و کارایی خود، تا آخرین روزهای عمر رژیم به حیات خود ادامه داد و همچنان به عنوان نهاد دولتی مستقل شناخته می‌شد. با وقوع انقلاب اولین نهادی که دولت جدید، یعنی جمهوری اسلامی، تأسیس کرد همین بازرسی کل کشور بود. این امر نشان‌دهنده اهمیت نهاد

خدمات یا محصولات است و به رابطه بین ترکیب واقعی و مطلوب درون‌دادها، برای تولید درون‌دادهای معین اشاره می‌کند؛ ۲. اثربخشی که توصیف‌کننده درجه نیل به اهداف سازمانی است (رهنورد، ۱۳۷۸: ۷۹).

۲. برای اطلاع بیشتر از این مسئله رک به محمود حکیمی، (۱۳۷۲)، داستان‌هایی از عصر رضاشاه، فصل ۸، تهران: قلم.

۳. سازمان بازرسی شاهنشاهی دو رئیس داشت که هر دو از نظامیان حکومتی به شمار می‌رفتند و اکثر اعضا و هیئت‌های بازرسی و کارکنان ارشد آن، از بین نظامیان مشهور انتخاب می‌شدند؛ لذا سازمان از یک منظر، ماهیتی نظامی داشت و در زمره ارگان‌های نظامی رژیم پهلوی قرار می‌گرفت.

۴. تیت اند لایل (Tate & Lyle) شرکت موادغذایی بریتانیایی است که در سال ۱۳۰۰ش/۱۹۲۱م، از ادغام دو شرکت هنری تیت‌اند سانز و آبرام لایل‌اند سانز تاسیس شد. ۵. محمدرضاشاه در سال ۱۳۵۴ش/۱۹۷۶م، برای بررسی ریشه فساد و حل بحران اقتصادی کشور و مبارزه با ناکارآمدی ادارات و همین‌طور محاکمه علنی متهمان به فساد، دستور ایجاد و برپایی کمیسیون‌هایی در بازرسی شاهنشاهی به ریاست نصرت‌الله معینان، رئیس دفتر مخصوص، صادر کرد. عده‌ای برآنند که این امر و نشان‌دادن ضعف و ناکارآمدی رژیم در رسانه‌ها، نقش بسیاری در بدبینی مضاعف مردم به حکومت داشت (یگانه، ۱۳۸۵، ۲۳۷ تا ۲۳۹).

کتابنامه

الف. اسناد و مدارک آرشیوی

- اساسنامه و آیین‌نامه سازمان بازرسی شاهنشاهی، (۱۳۳۹)، بی‌جا: بی‌نا.

- آرشیو مرکز اسناد مجلس شورای ملی، شماره بازبایی ۶/۱۲۶/۱۲/۱/۱۳.

- آرشیو مرکز اسناد مجلس شورای ملی، شماره بازبایی ۶/۷۶۳/۳/۱/۱.

- آرشیو مرکز اسناد مجلس شورای ملی، شماره بازبایی ۲۲/۳۴/۴/۱/۴/۴۸.

این وظیفه بسیار مهم را در اختیار نهاد نسبتاً کوچکی گذاشته بود بدون اینکه ضمانت اجرایی چندانی به آن تفویض کند. طبیعی است این سازمان مرض را به‌خوبی تشخیص می‌داد؛ ولی درمان‌کردن آن در چنین وضعیتی کار آسانی نبود. سازمان بازرسی افراد سودجو و فرصت‌طلب بسیاری را شناسایی و از عملکرد آن‌ها گزارش تهیه کرد؛ ولی متهمان مجازات نمی‌شدند و در بهترین حالت، فرآیند بررسی با برکناری آن‌ها فیصله پیدا می‌کرد. برپایی کمیسیون‌های شاهنشاهی، در اواسط دهه پنجاه، نیز به‌طور ضمنی نشان‌دهنده ضعف عملکرد این سازمان بوده و اینکه در تاریخ پهلوی دوم، نهاد بازرسی، نهادی آسیب‌پذیر و ناکارآمد بود؛ همچنین گویای نبود فردی تحلیل‌گر که در این رشته تخصص داشته باشد و گزارش‌ها را با هم تبادل کند. خود شاه نیز، علی‌رغم تعدد کانال‌های اطلاعاتی، با این امور چندان آشنا نبود که این مسئله خود می‌تواند موضوع تحقیق مستقلی باشد. در بین اسناد بررسی‌شده، نمونه‌ای که انتقاد از سازمان بازرسی باشد کمتر دیده شد؛ ولی می‌توان به اموری که ناکارآمدی سازمان را نشان می‌دهد، به ویژه وجود حجم بسیار وسیع شکایات، پی‌برد. نهایتاً سازمان نتوانست آن‌طور که شاه امیدوار بود و در مقام صاحب‌نظر و عالم تبلیغات، به تعریف و تمجید از دستاوردهای آن می‌پرداخت، عمل کند و ترس درونی شاه از شخصیت‌های حقیقی و حقوقی متنفذ را از بین نبرد. همه این نکات، نشان‌دهنده ضعف مدیریت در ساخت بوروکراسی و ناکارآمدی نهاد بازرسی، در عصر پهلوی دوم است.

پی‌نوشت‌ها

۱. عملکرد در لغت، یعنی حالت یا کیفیت کارکرد و برآیند و خروجی یک نهاد یا بخش. عملکرد سازمانی سازه‌ای کلی است که بر چگونگی انجام عملیات سازمانی اشاره دارد. عملکرد به دو جزء تقسیم می‌شود: ۱. کارایی که توصیف‌کننده چگونگی استفاده سازمان از منابع، در تولید

- الموتی، مصطفی، (۱۳۶۹)، ایران عصر پهلوی؛ آریامهر در اوج قدرت، ج ۱۰، لندن: پکا.

- -----، (۱۳۶۹)، ایران عصر پهلوی؛ رضاشاه در تبعید، ج ۲، لندن: پکا.

- امیرعلیایی، شمس‌الدین، (۱۳۶۱)، صعود محمدرضاشاه به قدرت یا شکوفایی دیکتاتوری، تهران: دهخدا.

- انصاری، احمدعلی، (۱۳۷۰)، من و خاندان پهلوی، به کوشش محمد برقی و حسین سرافراز، تهران: البرز.

- پهلوی، محمدرضا، (۲۵۳۶)، به سوی تمدن بزرگ، تهران: چاپخانه پهلوی.

- _____، (۲۵۳۵)، مجموعه تألیفات، نطقها، پیامها، مصاحبه‌ها و بیانات اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی، ج ۵، بی‌جا، بی‌نا.

- تقوی، سیدمصطفی، (۱۳۸۹)، امنیت در دوره رضاشاه، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.

- ثابتی، پرویز، (۱۳۹۰)، در دامگه حادثه؛ گفتگو پیرامون علل فروپاشی حکومت شاهنشاهی، گفتگوی عرفان قانعی فرد با ثابتی مدیرکل امنیت داخلی ساواک، آمریکا: شرکت کتاب.

- رحمانیان، داریوش، (۱۳۹۱)، ایران بین دو کودتا، تهران: سمت.

- زاهدی، اردشیر، (۱۳۸۱)، ۲۵ سال در کنار پادشاه؛ خاطرات اردشیر زاهدی، تهران: پیام.

- زرنگ، محمد، (۱۳۸۱)، تحول نظام قضایی در ایران، ج ۲، تهران: اسناد انقلاب اسلامی.

- سولیوان، ویلیام، (۱۳۶۱)، مأموریت در ایران، ترجمه محمود مشرقی، تهران: هفته.

- سیفی‌فمی تفرشی، مرتضی، (۱۳۶۷)، پلیس خفیه ایران ۱۳۲۰-۱۲۹۹؛ مروری بر رخدادهای سیاسی تاریخیچه شهربانی، تهران: ققنوس.

- آرشیو مرکز اسناد کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۱۳۰۷۰۹، $\frac{3}{4}$ ، هیئت اعزامی به استان خوزستان برای ارزشیابی سازمان‌ها.

- مرکز اسناد و کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۲۹۷/۴۶۶۶۶، پرونده گزارش سازمان راجع به آموزش و پرورش در سال ۱۳۵۴.

- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۰۰۰۶۶۳۳۷.

- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۰۱۷۳۸۰۳۸، ۳۸.

- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۰۲۲۰۵۰۰۴، ۵.

- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۰۷۷۰۰۸۵، ۲.

ب. مجموعه قوانین و مصوبات مجلس

- مجموعه قوانین مجلس شورای ملی، قانون بودجه بازرسی شاهنشاهی، مصوب هیئت وزیران در تاریخ ۴/۷/۲۳، نرم‌افزار لوح حق.

- لوح مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۲، ص ۵۶، جلسه ۵۶.

- لوح مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۲، ص ۵۶، جلسه ۵۶.

- لوح مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۳، ص ۵۷، جلسه ۵۷.

ج. کتب فارسی

- احمد، احمد، (۱۳۸۹)، خاطرات احمد، به کوشش محسن کاظمی، تهران: سوره مهر.

- جان‌دی استمیل، (۱۳۷۷)، درون انقلاب ایران، ترجمه منوچهرشجاعی، تهران: رسا.

- سینایی، وحید، (۱۳۸۴)، دولت مطلقه، نظامیان و سیاست در ایران، تهران: کویر.
- شاهدهی، مظفر، (۱۳۸۶)، ساواک سازمان اطلاعات و امنیت کشور، تهران: مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- صمیمی، مینو، (۱۳۹۱)، پشت‌پرده تخت طاووس، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: اطلاعات.
- عبده، جلال، (۱۳۶۸)، خاطرات؛ چهل سال در صحنه قضائی، سیاسی، دیپلماسی، ایران و جهان، ویرایش مجید تفرشی، ج ۱، تهران: رسا.
- فرخ، مهدی، (۱۳۴۷)، خاطرات سیاسی فرخ، تهران: امیرکبیر.
- فخمی، قباد، (۱۳۷۸)، سی سال نفت ایران، تهران: مهراندیش.
- فردوست، حسین، (۱۳۸۶)، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی؛ خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، ویرایش عبدالله شهبازی، ج ۲، تهران: اطلاعات.
- کاتوزیان، محمدعلی‌همایون، (۱۳۸۲)، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا انقلاب، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: مرکز.
- -----، (۱۳۸۰)، تضاد دولت و ملت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نی.
- گراهام، رابرت، (۱۳۵۸)، ایران سراب قدرت، ترجمه فیروز فیروزنیا، تهران: سحاب کتاب.
- لاینگ، مارگارت، (۱۳۷۱)، مصاحبه با شاه، ترجمه اردشیر روشنگر، تهران: البرز.
- میرخلفزاده، حسین، (۲۵۳۵)، سیری در تاریخ شاهنشاهی ایران، تهران: اقبال.
- مکی، حسین، (۱۳۶۲)، تاریخ بیست‌ساله ایران، ج ۲، علمی، تهران.
- نفیسی، سعید، (۱۳۴۵)، تاریخ معاصر ایران: از ۴ اسفند ۱۲۹۹ تا شهریور ۱۳۲۰، تهران: اقبال.
- هلیدی، فرد، (۱۳۵۸)، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین، تهران: امیرکبیر.
- هویدا، فریدون، (۱۳۷۴)، سقوط شاه، ترجمه ح.م.مهران، تهران: اطلاعات.
- یگانه، محمد، (۱۳۸۵)، خاطرات، به کوشش حبیب لاجوردی، تهران: ثالث.
- د. مقالات**
- اورنگ، م. «چشم و گوش مهر یا سازمان بازرسی شاهنشاهی»، *ارمغان*، دوره ۳۷، ش ۵ و ۶، مرداد و شهریور ۱۳۴۷، ۲۷۳ تا ۲۷۶.
- رهنورد، فرج‌الله، «عوامل مؤثر بر ارتقای عملکرد سازمان‌های بخش دولتی ایران»، *پژوهشنامه مدیریت*، س ۸، ش ۴ (پیاپی ۳۱)، زمستان ۱۳۸۷، ۷۷ تا ۱۰۰.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، «انقلاب اداری و مسئله دادگاه‌های اداری»، *حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، س دوم، ش ۸، زمستان ۱۳۵۰، ۶۸ تا ۷۹.
- هـ. روزنامه‌ها**
- خواندنی‌ها، ش ۸۴، س ۳۲، تیر ۱۳۵۱، ۴۹ و ۱۳ تا ۱۵.
- خواندنی‌ها، ش ۵۹، س ۳۳، فروردین ۱۳۵۲، ۷ و ۸.
- روزنامه اطلاعات، س ۳۳، ش ۹۷۴۳، چهارشنبه، ۳۷/۴/۳۰: ۱.
- و. منابع لاتین**
- Azimi, F., (2008), *The quest for democracy in Iran*, Harvard University press.
- Afkhami, G.R., (2009), *The life and times of the Shah*, University of California Press.